

شعارها و خواست ها در دوره انقلابی

سیاوش دانشور

صفحه ۳

قطعه نامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست در باره

خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی

صفحه ۴

در اول مه

کارگران اعلام میکنند!

رحمان حسین زاده

صفحه ۶

حجاب و جمهوری اسلامی

وریا روشنفکر

صفحه ۷

اول ماه مه لنین

آوریل ۱۹۰۴

صفحه ۹



در صفحات دیگر

اعلامیه برنامه جامعه و کارگران در مورد حمله شیمیایی به مدارس، یاداشتهای سیاوش دانشور، اخبار کارگری و اجتماعی

با تشکر از رفیق سیاوش دانشور که برای مدت طولانی سردبیری نشریه کمونیست را به عهده داشت و زحمات زیادی کشید سعید یگانه

۶۹۳

کمونیست هکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۱۸ فروردین ۱۴۰۲ - ۷ آوریل ۲۰۲۳

علیه دستمزد چندین فقره

زیر خط فقر

علیه مصوبه شورای عالی

کار متحدانه باید عمل کرد

شورای عالی کار جمهوری اسلامی " نهاد ضد کارگری " امسال همانند سالهای قبل با تعیین دستمزد چندین فقره زیر خط فقر تعرضی آشکارتر و جنایتکارانه تر به سفره خالی و بی رونق کارگران و اکثریت مزدگیران که از قبل فروش نیروی کارشان روزانه گذران می کنند در سال جدید آغاز کردند. احتیاجی به توضیح نیست که شورای عالی کار به عنوان نماینده دولت و سرمایه داران قبل از اینکه به سفره خالی کارگران نگاه کند و دستمزد واقعی و افزایش دستمزد کارگران مورد نظرش باشد ، اصل رابر سود سرمایه داران و زوالو صفتان به قول "کارگران هفت تپه" می گذارند. شورای عالی کار در کنار نیروهای سرکوب ، نماینده دولت و کارفرما در رابطه کار و سرمایه و حفظ مناسبات استثمارگرانه موجود در مقابل کارگران و به ضرر آنان عمل می کنند.

این مصوبه جنایتکارانه یقه میلیونها کارگر را می گیرد و به روز سیا می نشانند. کارگرانی که اکثریت آنان از این حداقل قانون ضد کارگری نیز محرومند و بوسیله کارفرمایان و حشبانه استثمار می شوند و از هرگونه مزایا و بیمه درمانی محرومند یا نصفه کاره تامین می شوند. در طول عمر جمهوری اسلامی مناسبات بین دولت و کارگران همین بوده و مطالبات و حقوق کارگران همواره لگد مال شده است. کارگران در طول سالهای متمادی هزاران اعتصاب و اعتراض بر سر دستمزدهای

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

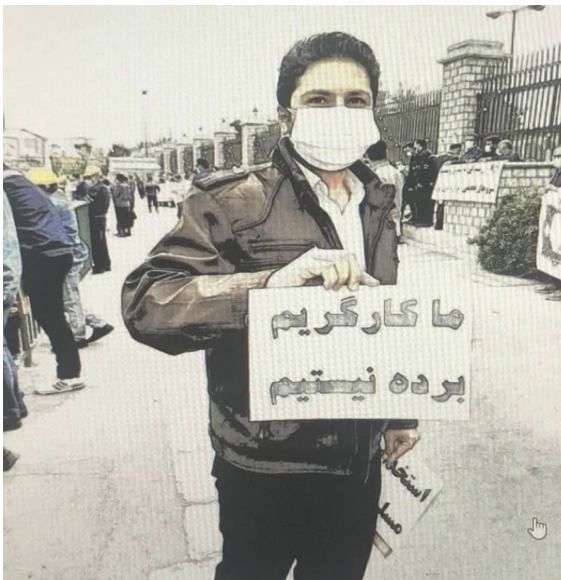


علیه دستمزد چندین فقره زیر خط فقر علیه مصوبه شورای عالی کار متحدانه باید عمل کرد

در این دوره باز راه را کارگران انقلابی هفت تیه مثل همیشه نشان دادند. آنان مستقلاً علیه مصوبه شورای عالی کار به میدان آمدند و نه تنها منفعت خود بلکه منفعت کل طبقه کارگر در مقابل دست درازی دولت و کارفرما به معیشت هم طبقه ای های خود را نمایندگی کردند. نه تنها صدای خود، بلکه صدای اعتراض میلیونها کارگر علیه تصمیم دولت و سرمایه داران زانو صفت شدند از همه کارگران خواستند که متحدانه علیه تعرض دولت و سرمایه داران به معیشت و زندگی خود به میدان بیایند. گفتند که در این مصوبه نه تنها حق کارگر لحاظ نشده بلکه بردگی محض است که به کارگران تحمیل می شود و نباید قبول کرد. تصویر اینکه این دست از اعتراض متحدانه در چندین مراکز کارگری علیه مصوبه دولت و سرمایه داران شکل بگیرد و به جنبش طبقاتی کارگران دامن بزند و دولت و سرمایه داران را وادار کند که در مقابل مطالبات کارگران تسلیم شوند دور از انتظار نیست.

علیه مصوبات دولت و سرمایه داران متحد به میدان بیاییم و به جنبش طبقاتیمان دامن بزنیم. کارگران می توانند سرنوشت خود را به دست بگیرند و به استنمار و تبعیض طبقاتی خود و سایر زحمتکشان پایان دهند.

سر دبیر



پرداخت نشده و معیشت و زندگی فلاکتبار خود علیه دولت و کارفرمایان سازمان داده اند، با این وجود بسیاری از مطالبات آنان یا روی زمین می ماند و یا اگر حداقلی از آن برآورده شود به شیوه های دیگر پس گرفته می شود و یا گرانی و تورم لجام گسیخته بزودی آن را بی خاصیت و فاقد اعتبار می کند. کارگران یا باید این حقارت و زندگی دشوار را ادامه دهند، یا ناچارند دست به عمل متقابل بزنند و علیه این تصمیمات ضد کارگری برخیزند و مصوبه را توی سرشان بکوبند.

جمهوری اسلامی آنچنان فقری را به اکثریت کارگر و مردم زحمتکش تحمیل کرده است، آنچنان آنان را با دغدغه معیشت مشغول کرده اند که ناچارند شب و روز دوندگی کنند و آخر ماه اگر حقوق آنان سر وقت پرداخت شود باز با کمبود پول کرایه خانه و دهها معضل دیگر روبرو هستند و فرصت سرخاراندن هم ندارند.

سوال این است چه باید کرد، برای مقابله با این مصوبات و اقدامات جنایتکارانه دولت و کارفرما که نان کارگر را می برند و علیه آنان تصمیم می گیرند، چکار باید کرد. آیا اطلاعیه دادن، کارزار تومار نویسی و قطعنامه علیه مصوبه شورای عالی کار کافی است، آیا این درجه از اعتصاب و اعتراض و پراکنده آنها در شرایطی که جامعه وارد یک تحول انقلابی شده و امکان تعرض و تحرک بیشتری را از کارگران می طلبد کافی است. اکنون اوضاع طوری شده که برای نفس کشیدن قدری آزاد باید جنگید، برای آزاد زیستن و آزادی پوشش باید جنگ کرد و خون داد، برای تهیه لقمه نانی باید جنگید و زندان و شکنجه دید. هیچ قانون و نرمی به نفع کارگران عمل نمی کند. درنده دشتی است که اقلیتی با سرمایه و امکاناتی که در اختیار دارند با چماق سرکوب، خون مردم را می مکند. هزاران انسان برای تحقق این آرزوها کشته و زندانی و شکنجه شدند.

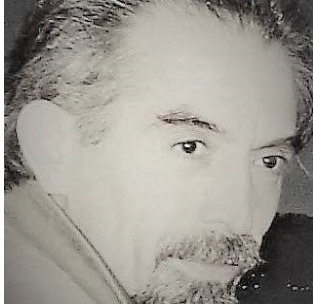
باید کاری کرد که شورای عالی کار، بدون دخالت نمایندگان واقعی و منتخب کارگران دست از پا خطا نکند و مصوبه اش را پس بگیرد و به اعتراض و صدای کارگران گوش کنند، باید محکم بشنوند که دیگر زیر بار این همه حقارت و بردگی نخواهند رفت و دستمزد مکفی و معیشت در ثنا انسان می خواهند. باید علیه این وضعیت فلاکتبار قیام کرد و دست دولت و سرمایه داران را در تعرض به زندگی کارگران و مردم زحمتکش کوتاه کرد.

و چاره راه، شکل دادن به جنبش طبقاتی و سراسری کارگران علیه مصوبه شورای عالی کار و دستمزد چندین فقره زیر خط فقر است. این تعرض ضد کارگری را یکبار برای همیشه باید به عقب راند و متحدانه وارد عمل شد. شرایط انقلابی در این دوره متحول که جمهوری اسلامی در نهایت ضعف و درماندگی به سر می برد امکان اینکه کارگران بخصوص در مراکز کلیدی متحدانه تر به میدان بیایند وجود دارد. در این رابطه نگاهی به اعتراض و اعتصاب سراسری اتحادیه های کارگری در پاریس و حمایت وسیع مردم معترض از این اعتصاب در رابطه با از دباد سن بازنشستگی که هنوز ادامه دارد باید آموخت. این اعتصاب و اعتراض آنقدر قدرتمند است که جامعه و افکار عمومی را تحت تاثیر قرار داده و دولت ماکرون را تا پای سقوط پیش بردند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

شعارها و خواست ها در دوره انقلابی

سیاوش دانشور



معلمان همدان امروز پنجشنبه ۱۷ فروردین در اعتراض شان از جمله گفتند: "ما خواهان آموزش رایگان، عادلانه و با کیفیت برای تمام دانش آموزان هستیم". در پلاکاردهای دیگری نوشته بودند: "معیشت، منزلت، سلامت حق مسلم ماست" و "رتبه بندی حق ماست، نتیجه رنج ماست"!

دوره انقلابی، باید انتخاب کرد!

ما موظفیم سیاست و بیان و شعار و نحوه حضورمان را با دوره سلب، دوره انقلابی، دوره ای که دولت زیر سوال است، منطبق کنیم. یعنی از دوره پیشا-انقلابی و "مطالبه گری" و طرح خواست از دولت مستقر فراتر برویم. وقتی دولت به طبقه بندی مشاغل، همسان سازی، رتبه بندی، آزادی پوشش، آزادی بیان، آزادی تشکل و تحزب، حقوق مسلم ما از بهداشت و درمان و آموزش و مسکن و زندگی کردن رضایت نمیدهد، قبول نمیکند، اجرا نمیکند، تعرض به آنها را بیشتر و بیشتر میکند، دیگر خواست آنها بی معنی است. تحقق این خواسته‌های پایه ای بطور بلافصل با سرنگونی جمهوری اسلامی گره میخورد.

در دوره انقلابی که هنوز تناسب قوا بعد کافی برنگشته و تغییر نکرده است، بطور بدیهی خواسته مطرح میشوند و این همین امروز هم در جریان است. این را هم میدانیم که این خواسته‌ها هم حقوق مسلم ماست و هم دولت و سرمایه داران قبول نمی کنند. پس در دوره انقلابی جنبش ما مسیر و گذاری را طی می کند که در هر قدم و بطور زنده و عملی باید به مرحله عالی تری برسد. بطور فشرده ما باید بین طرح حقوق مسلم همگانی، شرایط جدید مبارزه انقلابی، آکنور اجرا کننده این حقوق مسلم یعنی دولت بعدی پلی بزنیم. ما باید روشن کنیم که بطور مثال مصوبه دستمزد را نمی پذیریم و به طرق اعتصابی و اعتراضی اراده انقلابی و طبقاتی مان را در مقابل اراده و سیاست دولت و سرمایه داران میگذاریم. ما مثلاً باید بگوییم که این حقوق قابل مذاکره نیستند، حق هر شهروند و ساکن این سرزمین اند، هیچ دولتی حق دست درازی به آنها را ندارد بلکه باید ضامن اجرای درست آنها باشد. ما باید بعنوان کارگران و طبقه کارگر برای اجرای این حقوق مسلم خودمان، که با رنج و کار خودمان امکان فراهم شدنش مدتهاست مهیا شده است، جلو بیاییم.

برخلاف دولت و طبقه بورژوازی که میگویند تامین این حقوق ممکن نیست و سرنوشت تامین و برخورداری از هر حقوقی را به قانون جنگل بازار و بخش خصوصی سپرده اند، دولت انقلابی کارگران تحقق تمام آن حقوق مسلمی را که طبقه کارگر و انقلاب جزو حقوق پایه مردم برمی شمارد، تامین و تضمین میکند.

پس کارگران و جنبش انقلابی در جبهه ها و قلمروهای مختلف کشمکش جاری، باید تلاش کنند بمثابه الترناتیو هم ظاهر شوند. تلاش کنند بمیزانی که تناسب قوا مقدور میکند و گامی انقلابی برای شکستن آن عمل کنند و بمثابه صاحبان این جنبش ابراز وجود کنند. آنچه ما میگوییم شندی است، عملی است، امکان مادی و تخصص و دانش تکنولوژیکی اش هست، خود ما آنرا تولید کرده ایم و باید در خدمت تعالی و پیشرفت کل ساکنین کشور و جامعه قرار گیرد. اینها بخشی از اقدامات و فرمانهای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی است. بقول کارگران فرانسه باید بین زندگی کردن و کار کردن برای سرمایه داران انتخاب کنیم!

۱۷ فروردین ۱۴۰۲

شاخه های مختلف جنبش کارگری در اجتماعات و اعتراضات مختلف حقوقی کلی تر را فریاد میزنند، خواسته‌هایی را به زبان عمومی بدل کردند، خواسته‌هایی که رابطه مستقیم و ملموسی با زندگی روزمره دهها میلیون مردم کارگر و زحمتکش و اکثریت عظیم شهروندان و ساکنین ایران دارد.

بین دو مسئله ظریف باید تفاوت گذاشت: اول، حقوقی که برخوردار از آنها را "حق مسلم" خود میدانیم. دوم، خواسته‌هایی که بدلیل تناسب قوا طرح میکنیم و با هنوز بعنوان حق مسلم برسیمت شناخته نمیشوند. طبقه کارگر ناچار است از دریچه همین خواسته‌ها بمیدان بیاید تا هم بین صفوف خود اتحاد ایجاد کند و هم سرخ کار را از جای درستی بگیرد. اما اینها در شرایط مبارزه ما معنی دارند و با تغییر شرایط جایگاه آنها تغییر میکند و اشکال مبارزه برای تحقق آن نیز تغییر میکند. در دوره پیشا-انقلابی که هنوز سرنگونی حکومت در دستور کار جامعه نیست، اعتصابات کارگری و طرح خواسته‌هایی که "حق مسلم" می نامیم، راه برآمدهای توده ای را هموار میکند و خود موتور محرکه کشمکش سیاسی میشود. در دوره انقلابی با وضعیت جدیدی روبرو هستیم که خود حاصل و برآیند همین مبارزات در دوره پیشا-انقلابی است که فی الحال در شکل و محتوای جدیدی بروز یافته است.

بعبارت دیگر، آنچه را در دوره پیشا-انقلابی خواسته‌های مشروع و یا "مطالبات" نام گذاشته میشد و از دولت مستقر و ارگان مشخصی خواسته میشد، در دور انقلابی که خود همین دولت و ارگانهایش مورد کشمکش و تعرض است و حکم "باید برود" گرفته است، خواسته‌های ما نه وجه مطالباتی و درخواستی از یک دولت مشخص بلکه وجه پرچم مبارزاتی و اجرایی توسط خودمان پیدا می کند و دقیقاً باید زبان و ادبیات طرح آنها نیز با زمانه سیاست به روز باشد. حق مسلم و غیر قابل بحث باید اولاً قانون باشد یا قانون بشود، ثانیاً اجرا شود، ثالثاً تضمین اجرای آن خود کسانی باشند که در این حقوق ذینفعند.

وقتی میگوییم "ما خواهان آموزش رایگان، عادلانه و با کیفیت برای تمام دانش آموزان هستیم" یا "ما خواهان بهداشت و درمان رایگان و با کیفیت برای تمام شهروندان هستیم" و یا "ما خواهان دستمزد مکفی و رفاه همگانی هستیم"، داریم از حقوقی که غیرقابل مذاکره است حرف میزنیم. حقوقی که بورژوازی زیر فشار مبارزه کارگری برسیمت شناخته، بخشاً در قوانین هم تصریح شده، اما آنجا که اجرا شده با رفرم پس میگیرد و جاهای زیادی اجرا نشده و نمیخواهند اجرا کنند. یعنی برخلاف ما، آنها این حقوق را "حق مسلم" ما نمیدانند. این حق مسلم ما برای دولت و طبقه سرمایه دار هزینه دارد و تراز سود شاخه های مختلف سرمایه را تغییر میدهد. لذا مقاومت میکنند، سرکوب میکنند، حتی وقتی خیزشی انقلابی علیه شان برپا میشود، کوتاه نمی آیند و از جبهه های مختلف تعرض به دستمزد، به بهداشت و درمان، به آموزش، به صندوق های بازنشستگی و به قوانین سابق را گسترش میدهند. چرا؟ چون این تناقض منافع بین "حق مسلم" ما کارگران و اکثریت عظیم جامعه و "حق مسلم" سرمایه داران بعنوان اقلیت ناچیز و طفیلی جامعه در برابر هم قرار گرفته است.

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

تاریخی فراهم شده است تا طبقه کارگر و کمونیسیم کارگری بتوانند در راس جنبش برای آزادی و برابری، برای رهایی زن، برای نفی فقر و فلاکت، برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی قرن بیست و یکمی شود.

قطعه نامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست در باره؛

خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی

۶. خروش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، دنیائی از اتحاد مبارزاتی و ابتکار سیاسی و فرهنگی بیار آورده است. مهمترین دستاوردهای چهار ماه خیزش انقلابی عبارتند از: تحمیل عقب نشینی به حکومت و کنار انداختن حجاب در سطح وسیع، استمرار و سراسری بودن جنبش، خسته کردن و ریزش از درون نیروی سرکوب، بی اعتبار کردن نمادهای اقتدار حکومت و حمله مستمر به آنها، حاشیه ای کردن سیاستهای تفرقه اندازانه مذهبی و ملی و قومی، ایجاد اتحاد بین بخشهای مختلف مردم، بازگرداندن امید به جامعه در مقیاس وسیع، عبور از فاز مطالبه گری به فاز انقلابی و جنگ رودررو با حکومت، جلب حمایت بیسابقه و گسترده افکار عمومی پیشرو جهان، اتکا به تجارب نبردهای پیشین و متشکل شدن در سطح ارگانهای انقلابی محلات، تغییر ادبیات سیاسی و منش جامعه و تقویت همبستگی است.

۷. جنبش انقلابی متکی به درجه ای از سازماندهی و رهبری در مقیاس محلی، تاکنون پیشروی نموده است، اما ادامه پیشروی موثرتر در گرو سازمانیابی بیشتر شبکه ها و ارگانهای انقلابی در محلات و مراکز کار، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، میان جنبشهای اجتماعی رادیکال و مهمتر تامین رهبری سراسری است. برای تامین رهبری سراسری و تضمین پیروزی خیزش انقلابی باید طبقه کارگر سوسیالیست ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرد. سیاست حزب حکمتیست رفع موانع و محدودیتهای سد راه طبقه کارگر و تقویت شبکه های متحد رهبران و فعالین کارگری پیشرو و ایجاد سازمانهای توده ای و حزبی کارگران برای دخالت موثر در پروسه انقلابی است.

۸. حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست بر اهمیت سازماندهی یک جنبش مجمع عمومی در کارگاهها و واحدهای تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در فقدان هر نوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تامین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش اعتراضی کارگران است. مجمع عمومی ادامه کارترین و موثرترین شیوه سازماندهی توده ای کارگران در شرایط کنونی و یک پیش شرط قدامت کردن یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند در تحولات جاری است.

۹. یک رکن سیاست حزب کمونیسیت کارگری- حکمتیست در جنبش سرنگونی و انقلابی جاری در ایران علیه رژیم اسلامی، تفکیک و جدا کردن کارگران و مردم زحمتکش از هر آلترناتیو و افق و سیاست راست و بورژوازی، افشای نقطه سازشهای اپوزیسیون راست، سوق دادن جنبش سرنگونی به سمت موضعی چپ و انقلابی و نه گفتن مردم به کلیت رژیم، دستگاه سرکوب و استثمار و تبعیض و نابرابری است. نباید گذاشت جنبشهای طبقات دارا دوباره سرنوشت جامعه را تعیین کنند. تضمین اینکه اینبار پیروز شویم، در گرو دخالت موثر کارگر و کمونیسیم سازمانیافته و متحد است.

۱۰. حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست بر حساسیت شرایط تاریخی کنونی و رفع موانع حضور متشکل طبقه کارگر و کارگران کمونیسیت در صف اول جدالهای پیش رو تاکید دارد. دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت

صفحه ۵

۱. جامعه ایران وارد یک دوره انقلابی شده است. مهمترین مشخصه و سوال محوری دوره انقلابی، تشدید جدال سیاسی و کشمکش طبقاتی بر سر قدرت سیاسی است. حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست در تحولات جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی، سازماندهی انقلاب کارگری، کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت کارگری مبارزه می کند.

۲. خیزش انقلابی جاری جنبش توده ای سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی حلقه ای از انقلاب کارگری و سوسیالیستی در ایران و یک سکوی خیزشهای انقلابی و توده ای در کشورهای اسلام زده و استبدادی در منطقه است. ماهیت حرکت انقلابی جاری در ایران ملی و قومی و مذهبی نیست، خصلتی جهانی و مدرنیستی و آزادیخواهانه و ضد تبعیض دارد. انسانگرایی و برابری طلبی قوی این جنبش خصلت سوسیالیستی آنست.

۳. جنبش سرنگونی و خروش انقلابی جاری یک رادیکالیسم اجتماعی چپ را نمایندگی میکند. جنبشی بشدت زنانه، با نقش مبدعانه نسل جوان پیشرو، ضد تمامیت جمهوری اسلامی و ضد مذهب، با پتانسیل بالای ضد کاپیتالیستی است. این واقعیت رسانه ها و نیروهای سیاسی راست را هراسان کرده و با تبیین وارونه خود از تحولات ایران با عناوینی مانند؛ "انقلاب ملی ایران"، "انقلاب دمکراتیک ایران" و "انقلاب فمینیستی" نام میبرند. این عناوین وارونه هیچکدام کاراکنتر اجتماعی جنبش سرنگونی و انقلابی را منعکس نمی کنند و تلاشهایی برای مسخ و مهار این جنبش اند. بدون تردید انقلابی در راه است، انقلاب کارگری که چشم انداز تحقق آن منشأ امید طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه و مایه هراس بورژوازی جهانی و محلی است.

۴. یک مشخصه مهم خیزش انقلابی زنانه در ایران ضد مذهبی بودن آنست. برای اولین بار در تاریخ افق یک رنسانس ضد اسلامی پدیدار شده است که نه فقط میتواند سیمای خاورمیانه را تغییر دهد، بلکه صورت مسئله اسلام سیاسی را در جهان عوض میکند. حجاب سوزان، طناب دار سوزان، اعلام بیزاری از دین و آئین اسلام و آخوند بعنوان سمبل جاهلیت، بارقه های یک موج برگشت قوی آنتی اسلامیستی است. در صحنه سیاست ایران تنها نماینده پرشور این آنتی اسلامیسیم جنبش کمونیسیتی کارگری است.

۵. تشدید بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رژیم، برآمدهای توده ای و انزجار وسیع از جمهوری اسلامی، اضمحلال و سرنگونی رژیم را بیش از هر زمان به یک امر ممکن و در دسترس تبدیل کرده است. در پنجمین ماه خیزش انقلابی سراسری، علیرغم سرکوب خشن، جامعه امیدوار ایران بسان کوه آتشفشان زبانه می کشد و مساله آینده و قدرت سیاسی را در مقابل کارگر و کمونیسیم قرار داده است. یک فرصت

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

قطعه نامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست در باره

خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی

با فراخوان و سازماندهی ۳ سازمان بزرگ

حامی کارگران در هندوستان

AIKS, CITU, AIAWU

میلیونها کارگر و مردم زحمتکش در اعتراض به سیاستهای ریاضت کشی دولت سرمایه داری هند به نفع سرمایه داران به سمت بمبئی دست به راهپیمایی زدند.

راکد ماندن دستمزدها، افزایش قیمت ها، بیکاری و ناامنی شغلی، باز ده کم محصولات کشاورزی، افزایش نابرابری و حمایت دولت مودی از ثروتمندان مطالباتی است که معترضان را به حرکت میلیونی و سراسری در آورده است.



فرا رسیده است. تحولات امروز ایران فقط بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری و حکومت کارگری در ایران فراهم شده است تاکید میکنند. ما رهبران کارگری رادیکال و کمونیستها و آزادیخواهان را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخوانیم!

مصوب پلنوم ۴۶ با یک رای ممتنع

۶ فرورین ۱۴۰۲ - ۲۶ مارس ۲۰۲

آثار منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

همایش کلن

در حمایت از منشور مطالبات حداقلی
تشکل های مستقل صنفی و مدنی در ایران



شنبه ۲۲ آوریل ۲۰۲۳
از ساعت ۹ تا ۱۹

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



در اول مه کارگران اعلام میکنند!

رحمان حسین زاده

امروز و فردای خود باید خود را سازمان دهد. طبقه ما حول حزب کمونیستی پیشرو خود باید گرد آید. باید سازمانهای توده ای خود را بسازد. باید مجامع عمومی و شوراهای خود را سازمان دهد. لازمست به فکر سرنوشتی سرمایه و دولتهاش و تصرف قدرت و ایجاد حکومت کارگری باشد. ایجاد جامعه ای به دور از کار مزدی و استثمار انسان به دست انسان و به دور از فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و جنگ و تروریسم و ناامنی و زشتی های امروز جامعه بشری ممکن است. طبقه کارگر رسالت تحقق این امر انسانی را به عهده دارد. در روز اول مه بر اتحاد و همبستگی طبقاتی مان در راستای این رسالت تاریخی پای میفشاریم.

و نهایتاً کارگران اعلام میکنند، اگر سرنوشت خود را به دست بگیریم، اگر سکان اداره جامعه را به دست بگیریم، با امکانات و ثروت عظیمی که خود خالق آنیم، آزادی، برابری، رفاه همگانی همه شهروندان این کره خاکی را تامین میکنیم. اگر حاصل کار خود ما، تولیدات و ثروت جامعه در اختیارمان باشد، دنیای بهتر و زندگی بهتری را ایجاد میکنیم. اگر قدرت دست ما کارگران باشد، با همین پول و ثروتی که هزینه دم و دستگاه عریض و طویل دولتها و پارلمانها و ارتشها و نیروهای سرکوبگر نظامی و جنگها و نهادها و موسسات خرافه مذهبی و ملی و غیر مذهبی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری موجود را فوراً پایان میدهیم و زندگی شایسته انسان امروزی برای همه شهروندان جامعه را تامین میکنیم.

آوریل ۲۰۲۳



اعتصاب و مارش شکوهمند کارگران فرانسه و حمایت مردم معترض در اعتراض به ازدیاد سن بازنشستگی

زنده باد اتحاد کارگری



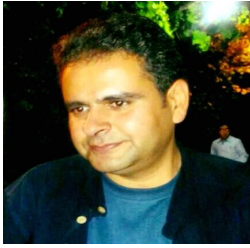
کارگران اعلام میکنند، علت و ارونگی دنیای کنونی، نظم و مناسبات کاپیتالیستی است که زندگی و حیات همه کارگران و خانواده های کارگری را در مقابل کار مزدی و کسب سود نجومی سرمایه داران به گروگان گرفته است. قیمت نیروی کار ما یعنی همین منبع تداوم زیست و حیات ما را در بسیاری کشورها و از جمله در ایران چند بار زیر خط فقر تعیین میکنند. علت این وضعیت نظامی است که تحمیل گرسنگی و فقر و بیکاری و بیماری بر طبقه کارگر لازمه دوام آن است. نظم ظالمانه ای که فلسفه وجودی آن را کسب سود و فقط سود و تلببار کردن سرمایه در دست یک تعداد انگل مفتحور سرمایه دار قرار داده است، لازمه اش نیروی کار ارزانی است که به کمترین دستمزد و کمترین مزایا تن دهد. لازمه اش وجود لشکر بیکاری است تا همچون شمشیر داموکلس مداوما بالای سر کارگر شاغل قرار دهد. لازمه اش گرسنگی است که کارگران به چیزی جز سیر کردن شکم خود و خانواده فکر نکنند.

لازمه اش آن شرایط برده واری است که کمترین فرصت برای کسب آگاهی و کمترین فرصت برای ایجاد اتحاد و تشکل وجود داشته باشد. وجود جوامع فقرزده و بیکار و بیمار زده و گرسنه و جنگ زده در آغاز قرن بیست و یکم و عصر انفورماتیک و دوره فراوانی و اوج ابتکار انسان، زاده منفعت زمینی نظم و ارونه سرمایه در همین عصر مدرن است. بر خلاف اندرهای اخلاقی خیلی ها تحمیل فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و بی بضاعتی به دهها میلیون انسان کارگر از اخلاق بد سرمایه داران و از ندانم کاری این و آن دولت و یا از بحران این دوره و آن دوره و از تحریم و ... در نمی آید، بلکه جزو تار و پود خصلت استثمارگرانه نظم و ارونه و ضد انسانی کاپیتالیستی و از ضروریات تداوم حیات انگل وار آن است. همه دولتهای حاکم در جهان امروز و جمهوری اسلامی خود حافظ این مناسبات و مجری نظم گنبدیده سرمایه داری هستند. به قول مارکس "دولتها کمیته اجرایی سرمایه دارانند" و این گفته تیزبینانه را در فرمت تحمیل حاکمیت دولتهای بورژوازی ضد کارگر و ضدانسان در همه کشورهای جهان معاصر بر طبقه کارگر و مردم محروم با تلخی تجربه میکنیم. در همه کشورها سرمایه داران قدرت خود را در قالب دولت سازمان داده اند تا همین مناسبات را حفظ کنند.

در اول مه و در هر فرصت مناسب علیه این مناسبات، علیه کار مزدی و سود ورزی نجومی نظم ضد انسانی سرمایه و دولتهاش باید به میدان آمد و شورید. برای اینکار معجزه ای در کار نیست، جز آگاهی و اتحاد و تشکل کارگران و مردم تحت ستم برای ساقط کردن نظم ضد انسانی سرمایه. برای پایان دادن به نظم موجود، برای پایان دادن به فقر و بیکاری و بیماری و گرسنگی و جنگ و تروریسم، طبقه کارگر به عنوان نیروی نجات دهنده جامعه باید به میدان بیاید. هیچ نیروی نجات دهنده غیبی برای نجات کارگران و جامعه وجود ندارد. در جامعه ایران، آگاهی و اتحاد و تشکل و مجامع عمومی کارگران و اداره شورایی در هر کارخانه و کارگاه و موسسه کارگری و محله و شهر، اتحاد و همبستگی و همسرنوشتی کارگران شاغل و بیکار، اتحاد و همبستگی با اقشار تحت استثمار و ستم دیده جامعه اجزای یک حرکت آگاهانه کارگری است که در اول مه باید مبنای آن را محکم کنیم.

طبقه سرمایه دار برای حفظ منافع خود در مقابل طبقه ما به انواع شیوه خود را سازمان داده است. طبقه کارگر نیز با آگاهی بر منافع

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



حجاب و جمهوری اسلامی

وریا روشنفکر

گرفت. مثال بارز آن مسئله سود بانکی است، در اقتصاد اسلامی مورد نظر آنان، ربا حرام بود. با حذف ربا در سیستم بانکی، با مشکلات اقتصادی قابل توجهی مواجه شدند. پس به روال و سنت تمامی مذاهب تفسیر و توجیه خود را ارائه دادند.

اما در پوشش مشهور به حجاب اسلامی، با مشکل قابل توجهی برخورد نکردند. به هنگام انقلاب، اعتراض زنان آزادی خواه را در اولین ۸ مارس بشدت سرکوب کردند، با پونس و تعزیر به جان زنان افتادن، البته برخی از زنان، داوطلبانه به حجاب فوق روی آوردند. برخی نیز برای محروم نشدن از مزایای اجتماعی و سیاسی، به استقبال این پوشش رفتند. در نهایت پس از یکپارچه شدن حکومت، مخالفان حجاب، نیز در جوی از ارباب و فشار، به انقیاد اجباری واداشته شدند. امابه موازات این پروسه حقه کردن مظاهر مذهب برجامعه، گویی توافق نانوشته با بخشی از افراد وابسته و مرتبط با حکومت وجود دارد

حکومت که در ابتدا مدعی و پرچمدار اسلامی سازی همه جنبه های آشکار و پنهان جامعه بود، به مرور، در بسیاری از زمینه ها ناکام شد. زندگی خصوصی و محیط های خصوصی از کنترل حکومت خارج شد. بخشی وسیعی از جامعه هیچگاه دلبسته این قوانین نشد و نیست و فقط به اجبار تمکین میکند، اما آن بخش وابسته به نظام که بودشان در گرو نام حکومت اسلامیت به مرور راه خویش را انتخاب کردند. آنها دریافتند که مردان می توانند با جفیه ای بر گردن و محاسنی بر صورت، و زنان با روسری بر سر، زندگی بیرونی خویش را بر مبنای معیارهای حاکمیت شکل بدهند و زیست شخصی و خصوصی دیگری در محیط های خاص خویش داشته باشند. این دوزیستی، قدرت حاکمیت را نادیده گرفت و حاکمیت از کنترل فضاهای شخصی دوزیست ناکام شد و ترجیح داد که در توافقی نانوشته با دوزیستان، زندگی خصوصی و حتا خلاف ها و اختلاس ها و رانت خواری های آنان را نادیده بگیرد مشروط بر آن که شهروندان در زیست اجتماعی، خویش را به معیارهای رسمی حاکمیت، وفادار نشان بدهند. ثروتهای بادآورده مقامات حکومتی که این امکان را به آفازده هایشان داد که در قلب حکومت اسلامی بزرگترین پارتیها و لوکسترین تفریحات را داشته باشند و اتفاقا حکومت برای حفظ ظاهر قدرت خود آنها را حمایت و پوشش میدهد.

در پی توافق نانوشته فوق، حکومت به مرور، سلطه خویش را در بسیاری از موارد بر شهروندان از دست داد. عدم تسلط حکومت بر شهروندان، فقط محدود به فضاهای خصوصی زندگی شهروندان نشد، حکومت حتا سلطه خویش به عنوان نظام حاکم بر کارمندان و موجب بگیران خویش را از دست داد. ناکارآمدی، ارتشا، رانت خواری، پارتی بازی و... به گونه ای غیرقابل کنترل شد. گویا حاکمیت بخش های از سیستم اداری و قضایی کشور را به حال خویش رها کرد. اما حکومت، یک جایی می بایستی سلطه و اقتدار خویش برجامعه

صفحه ۸

اکنون و بعد از حدود هفت ماه از آغاز قیام مردم در ایران، که اینبار جرعه اش از مسئله قتل حکومتی مهسا امینی دختر جوانی به خاطر حجاب و توسط فالانتهای گشت ارشاد انجام گردید، بار دیگر مسئله تحمیل حجاب برزنها و حتی طبق بعضی از اظهار نظرهای مقامات حکومتی بر مردان دوباره مطرح شده است.

جمهوری اسلامی طی این چندماه تنها دچار نوعی شکستگی اقتدار در عرصه امنیتی گردید، ته مانده آنچه را که خود مشروعیت مینماید از دست داد، عملا در عرصه ای عمومی تر حکومت داری نظیر تامین کالاهای اولیه، تامین دارو، پرداخت حقوق بازنشستگان و فرهنگیان، مهار تورم، پایین آمدن هر روزه قیمت ریال نسبت به ارزهای دیگر و... در بدترین حالت خود در طول چهاردهه گذشته بوده است، امروز دیگر اخبار جنایات حکومت در طول این چندماه، شکنجه و کشتار مردم و مبارزان، احکام اعدام، حبسهای طولی مدت، تهدید، و البته اعتراف و ترس مقامات حکومت در سطح دنیا علنیست و کسی نمی تواند منکرش باشد.

اما سوال اینجاست چرا حکومتی تا بدین حد متزلزل و دارای بحرانهای متعدد اکنون حجاب را در ابتدای لیست فعالیتش و کشمکش با جامعه قرار داده است؟

ابتدا نگاهی بندازیم به تلاش ناکام در اسلامی سازی جامعه البته به ضرب زور در طی دوران حکومت جمهوری اسلامی؛

پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی و مصاحبه انقلاب مردم در سال ۵۷، خمینی و همراهانش به نام «اسلام» (و با شعار پیاده کردن قوانین و مقررات اسلامی، سعی در حذف تمام صداهای مخالف نمودند. تلاش کردند تا ریشه ها و منابع مشروعیت خویش را از دورن رفرانس های اسلامی جستجو کنند. تنها ابزار و داشته آنها، تخصص در علوم اسلامی و به ویژه در فقه و شریعت بود. برای پیروزی بر رقبا، ناچار بودند اسلام را بعنوان یک مزیت به جامعه قالب کنند و بر مبنای آن مزیت، خود را برای حکمرانی بر دیگران ارجح بدانند. اسلامی سازی محتوا امری مشکل و پیچیده و شاید از نظر خودشان هم در جامعه ایران غیر ممکن بود ولی اسلامی سازی ظواهر و توجه به شعائر امری آسان تر به نظر می رسید. به نسبتی که اهرم های قدرت را به دست گرفتند به اسلامی سازی ظواهر پرداختند. لذا مشاهده می کنیم که هر چند اسلامی سازی ظواهر از همان فردای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شروع شد، ولی رشد و فراگیری آن در تناسب مستقیمی با توازن قوا انجام شد. هنگامی که مخالفان و منتقدان را از عرصه های حکمرانی حذف کردند و حکومت را یکپارچه تصرف کردند به تصویب قانونی، همین مظاهر اسلامی پرداختند.

اما همین اسلامی سازی مظاهر در بسیاری از جنبه ها با مشکلات عیدیه ای مواجه شد و گاه در تعارض با منافع حکمرانان قرار می

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

برابری بی قید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

حجاب و جمهوری اسلامی

وریا روشنگر

را نشان دهد و گاهگاهی مانور قدرتی بدهد تا نشان دهد که حضور دارد و حضورش مقتدرانه و امرانه هست. در نظام های توتالیتر و ایدئولوژیک، تسلط بر شهروندان بسان «سوژه»، و تبدیل آنان به «ابژه» شیوه ای رایج برای کنترل و مدیریت شهروندان است.

اجباری بودن لباس های متحدالشکل در برخی از سیستم ها و یا در برخی از فضاها، مثل زندان و اردوگاه اسیران، از شیوه های رایج اعمال سلطه و سیطره بر سوژه های مورد نظر است تا بدین ترتیب، با القای انقیاد اجباری بر سوژه، وی را به پذیرش تدریجی انقیاد اختیاری عادت بدهند. در این روند، با تحمیل گداهای مورد نظر، عادی سازی نظام سلطه تسهیل می شود. اجبار به حجاب، و یکسان سازی پوشش روسری و حجاب مرسوم کنونی، می تواند به عنوان، یکی از بزنگاه های آشکار بروز سلطه و اقتدار حاکمیت تلقی شود.

اما از منظر دیگر

حاکمیت می بایستی حداقل برای هواداران سنتی خویش، دستاوردی ملموس و عینی ارائه دهد تا پرچم اسلامیت نظام را همچنان برافراشته نگاه دارد. حاکمیت نمی توانست به هواداران سنتی خویش، دستاوردهایی از عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی را ارائه دهد. این عدالت ها با رانت ها و امتیازاتی که هواداران حکومت و دست اندرکار آن، بهره مند بودند منافات داشت. بخش های سنتی و مذهبی جامعه که از این رانت ها بهره مند نبودند، شاهد تفاوت ها و تبعیض ها بوده و از رانت ها و امتیازات بی بهره بودند. اما حکومت نمی توانست فقط به هواداری بخش های سنتی «برخوردار از مواهب حکومت» بسنده کند، او به هواداری بخش های سنتی «نابرخوردار از مواهب حکومت» نیز نیازمند بود. دیگر حنای شعار نه شرقی و نه غربی رنگ نداشت، نشان داده که برای حفظ بقا هم به دامان شرق می رود و هم غرب، شعار فتح بیت المقدس هم در مناسبات و کشمکشهای بین جمهوری اسلامی و اسرائیل در عمل به سمت اسرائیل میچرید و جز رجزخوانی چیزی برای حکومت نمانده است، پس تنها به این بخش های سنتی نابرخوردار می توانست نشان بدهد که اگر با برپایی حکومت اسلامی، عدل علی پیاده نشد و شما همچنان محروم و حاشیه نشین هستید، اگر نتوانستیم اسلام را به دنیا صادر کنیم و هرچاردی از جمهوری اسلامی است جز فقر و جنگ و ویرانی دستاوردی نداشته، اما دلتان خوش باشد که حکومت اسلامی بی حجابی علنی را از کشور ریشه کن کرده است.

ظاهراً امروز حجاب برای جمهوری اسلامی دیگر امری شرعی نیست، هویت است، نشان بودش است، برای همین خامنه ای و آژده ای بنام حرام سیاسی را در سخنرانی اخیرش اختراع میکند، تا به چماقدارانش بفهماند از نظام اسلامیت فقط همین لچک مانده وبس.

غافل از اینکه نسل امروز، لایف استایل خودش را دارد، نسلی که در حکومت اسلامی به دنیا آمده، پرورش یافته، تمام زندگی زبیر مغز شویی نیدولوژیک حکومت بوده، اکنون تمامی ظاهر و باطن این سیستم را تف کرده، زنها در صف اول مبارزه اند، بی حجابی را به عنوان سلاح مبارزه انتخاب کرده اند، در کوچه و خیابان پاچه گیرهای امریه معرف را رم میدهند و قرار نیست کوتاه بیایند.

اعلامیه برنامه جامعه و کارگران در مورد حملات شیمیایی به مدارس دخترانه

اوباشان اسلامی حملات شیمیایی به مدارس دخترانه را دوباره شروع کردند!

جنایتکاران اسلامی، بعد از تعطیلات نوروزی در اولین روز بازگشایی مدارس دست به حملات شیمیایی به مدارس دخترانه زدند. بر اساس گزارشات منتشر شده از روز ۱۴ فروردین مدرسه دخترانه ۲۲ بهمن شهر نقه، ۱۶ فروردین مدرسه دخترانه «استقلال» در کوهنجان سروستان در استان فارس، دبیرستان دخترانه «مهدی» شهرستان پیرانشهر در استان اذربایجان غربی، دبیرستان دخترانه «سحر» منطقه دولت آباد اصفهان و مدرسه دخترانه در شهرک باغمیشه تبریز شاهد حمله شیمیایی بودیم و دهها دانش آموز در نتیجه مسمومیت راهی بیمارستان شدند. این در حالی است خامنه ای جنایتکار در اسفند ماه گذشته اعتراف کرده بود، حملات شیمیایی به مدارس دخترانه کار نیروهای درون رژیم اسلامی است و با آن ادبیات آخوندی «اگر و اما» در صورت «شناسایی» آمرین این حملات مجازات شوند. بر کسی پوشیده نیست دستور دهندگان حملات شیمیایی به مدارس دخترانه در بیت خامنه ای با مشورت خود او جهت انتقام از زنان در خیزش انقلابی ۷ ماهه جاری انجام میگیرد.

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن همدردی با دانش آموزان مسموم شده و خانواده های آنها اعلام میکنیم، فرمانده اصلی حملات شیمیایی به مدارس دخترانه خود خامنه ای جنایتکار است. ضمن محکوم کردن این حملات شنیع از عموم مردم میخواستیم تنها با گسترش اعتراضات میتون جلو انتقام جویی خامنه ای جنایتکار را گرفت!

تهیه کنندگان برنامه جامعه و کارگران

۱۸ فروردین ۱۴۰۲



آثار منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

به حزب کمونیست کارگری

ایران- حکمتیست کمک مالی کنید!

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



می کرد، آن روزهایی که نه مفری برای گریز از وضعیت اسارت بارش می دید و نه کورسوی امیدی در زندگی تلخ خود داشت، سپری شده است. سوسیالیزم راه بُرون رفت را به او نشان داد، و هزاران هزار مبارز به زیر پرچم سرخ، این ستاره راهنمای مسیر، گرد آمده اند. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آن ها آموخته اند که حمله را با حمله پاسخ دهند؛ به آن ها نشان داده اند

اول ماه مه

لنین

آوریل ۱۹۰۴

رفقای کارگر! اول ماه مه در راه است، روزی که کارگران تمامی سرزمین ها، باز شدن چشمانشان را به سوی یک زندگی آگاهانه، همبستگی-شان را در مبارزه علیه تمامی اشکال اجبار و اضطراب و ستم انسان به دست انسان، یعنی مبارزه برای رها ساختن میلیون ها زحمتکش از گرسنگی، فقر و حقارت را جشن می گیرند. در این پیکار سترگ، دو جهان چهره به چهره یک دیگر می ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری.

در یک سو، مثنی ثروتمند خون آشام قرار دارند. آن ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین آلات را تصرف و میلیون ها جریب زمین و کوه هایی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده اند. آن ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ های پاسبان باوفای ثروت انباشته خود مبدل کرده اند.

در سوی دیگر، میلیون ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مثنی نوکیسه پولدار التماس کنند تا به آن ها اجازه کار کردن بدهند. با کار آن هاست که این افراد تمام ثروت ها را خلق می کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده ای نان مبارزه کنند؛ برای کار التماس کنند، توگویی صدقه می خواهند؛ نیرو و سلامت خود را با زحمات کمرشکن تحلیل ببرند، و در آلونک های محقر روستایی یا اتاق های زیرشیروانی و انبارهای زیرزمین در شهرهای بزرگ، از گرسنگی جان دهند. اما اکنون این زحمتکشان محروم به نوکیسگان پولدار و استثمارگران، اعلام جنگ نموده اند. کارگران تمامی کشورها در حال مبارزه برای آزاد ساختن کار از بردگی مزدی، از فقر و احتیاج هستند. آن ها مشغول مبارزه برای نظامی از جامعه هستند که در آن ثروت حاصل از کار مشترک، نه مثنی ثروتمند، که هر آن کس را که کار می کند، منتفع می سازد. آن ها می خواهند که زمین و کارخانجات، مراکز تولیدی و ماشین آلات را تحت مالکیت مشترک تمامی زحمتکشان درآورند. خواهان آنند که به شکاف میان فقیر و غنی پایان دهند، ثمرات کار را به خود کارگران برسانند؛ تمامی دستاوردهای فکری بشر و تمامی بهبودهای روش های کار را در خدمت بهبود سرنوشت کسی قرار دهند که کار می می کند، و نه این که آن را به ابزار ستم بر وی تبدیل کنند.

پیکار عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری های عظیم کارگران صورت گرفته است. آن ها بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی واقعی را با جوی هایی از خون خود پرداخته اند. آنانی که در راه آرمان طبقه کارگر مبارزه می کنند، مورد اذیت و آزارهای بی-شمار حکومت ها قرار می گیرند. اما با وجود تمامی آزار و اذیت ها، همبستگی کارگران جهان، رو به رشد و قوام گرفتن است. کارگران هر چه پیش-تر در احزاب سوسیالیست متحد می شوند؛ هواداران این احزاب که در حال رسیدن به میلیون ها نفر هستند، به طور پیوسته و گام به گام به سوی پیروزی کامل بر طبقه استثمارگران سرمایه دار پیش می روند.

پرولتاریای روسیه نیز چشم به زندگی نوینی گشوده است. او نیز به این پیکار عظیم پیوسته. آن روزهایی که کارگر ما مطیعانه بردگی

که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. کارگران دریافته اند که از قیل کار آن هاست که سرمایه داران و حکومت، زنده اند و فربه می شوند. کارگران با روح مبارزه متحدانه، با آرزوی آزادی و سوسیالیزم برانگیخته شده اند. کارگران دریافته اند که حکومت مطلقه تزار چه نیروی اهریمنی و سیاهی است. کارگران برای مبارزه خود نیازمند آزادی هستند، ولی حکومت تزار دست و پای آنان را می بندد. کارگران به آزادی اجتماع، آزادی تشکل، آزادی مطبوعات و کتاب نیاز دارند، اما حکومت تزاری هرگونه کوشش برای آزادی را با تازیانه، زندان و سرنیزه، درهم می شکند. فریاد «مرگ بر حکومت مطلقه!» «طول و عرض روسیه را درنوردیده، بیش از پیش در عموماً خیابان ها، گردمایی های وسیع توده ای کارگران، به گوش رسیده است. تابستان سال پیش، ده ها هزار نفر از کارگران در سرتاسر جنوب روسیه برای یک زندگی بهتر، برای آزادی از سلطه پلیسی، به مبارزه برخاستند. بورژوازی و حکومت با مشاهده ارتش مهیب کارگران که با یک ضربه، کل حیات اقتصادی شهرهای بزرگ را به وقفه درآورده بود، به خود لرزید. بسیاری از مبارزین راه آرمان طبقه کارگر، در مقابل گلوله سربازانی که تزاریزم علیه دشمن داخلی گسیل داشته بود، به خاک افتادند.

اما نیرویی نیست که قادر به درهم شکستن این دشمن داخلی باشد، چرا که طبقات حاکم و حکومت، تنها با نیروی کار آن زنده هستند. نیرویی بر روی زمین نیست که بتواند میلیون ها کارگری را که بیش از پیش به آگاهی طبقاتی دست می یابند، متحد می شوند و سازمان می یابند، درهم بشکند. هر شکستی که کارگران متحمل می شوند، مبارزین جدیدی را برای صفوف مبارزه به ارمغان می آورد، چشم توده های وسیع تری را به یک زندگی جدید باز می کند و آن ها را برای مبارزات تازه آماده می سازد.

سیر رویدادهایی که روسیه دارد طی می کند، به گونه ای است که این بیداری توده های کارگر، به طور قطع سریع تر و گسترده تر خواهد بود، و ما باید برای متحد ساختن صفوف پرولتاریا و آماده کردن آن برای مبارزه به مراتب قاطعانه تری، نهایت تلاش خود را به کار بندیم. جنگ حتی عقب مانده ترین بخش های پرولتاریا را هم وادار کرده است تا به مسائل و امور سیاسی علاقه نشان دهند. جنگ با وضوح و روشنی بیشتری درحال به نمایش گذاشتن گندیدگی تمام و کمال نظم حکومت مطلقه، جنایتکاری تام و تمام پلیس و باند دستگاه قضایی حاکم بر روسیه است. مردم ما از احتیاج و گرسنگی در داخل رو به مرگ هستند- درحالی که خود به جنگی ویرانگر و بی معنا برای قلمروهایی بیگانه کشانده شده اند که فرسنگ ها از این جا دورند و اقوام خارجی در آن سکنا گزیده اند.* مردم ما در بردگی سیاسی، مغلوب هستند- درحالی که خود به جنگ برای به بردگی کشاندن سایر مردم کشیده شده اند. مردم ما خواهان تغییر نظم سیاسی در داخل هستند- اما تلاش می شود که با غرض تفنگ ها در آن سوی دنیا، توجه آن ها منحرف گردد. ولی حکومت تزار در این قمار خود، در بر باد دادن جنایتکارانه ثروت ملت و مردان جوانی که به سواحل اقیانوس آرام فرستاد تا بمیرند، بیش از حد پیش رفته است. هر جنگی که به مردم فشار می آورد، و جنگ دشوار علیه ژاپن با فرهنگ و آزاد، فشاری دهشتناک بر کرده روسیه است. این فشار در زمانی وارد می آید که ساختار استبداد پلیسی، تاکنون زیر ضربات پرولتاریای بیدار و هوشیار، تلوتلو خوردن های خود را آغاز کرده است.

جنگ درحال عریان کردن تمامی نقاط ضعف حکومت



ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا
ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را
برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

اول ماه مه

لنین

آوریل ۱۹۰۴

است، جنگ در حال دریدن تمامی لباس های مبدل دروغین است، جنگ در حال افشای کل گندیدگی داخلی است؛ جنگ در حال افشای مضحکه حکومت مطلقه تزار در پیش روی همگان است؛ جنگ آخرین جان کندن های روسیه کهن را به همه نشان می دهد، روسیه ای که مردم آن نادان، سر به زیر و فاقد حق رأی هستند؛ روسیه ای که هنوز هم در آن سرف در اسارت حکومت پلیسی قرار دارد.

روسیه کهن در حال احتضار است. روسیه ای آزاد در راه است که جای آن را بگیرد. نیروهای سیاهی که از حکومت مطلقه تزار پاسبانی می کردند، در حال غرق شدن هستند. اما تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است که ضربه مرگ بار را به آنان وارد سازد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند آزادی حقیقی و نه ساختگی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی است که می تواند هرگونه تلاش را برای فریفتن مردم، محدود کردن حقوق آن ها و تبدیل آن ها به ابزاری صرف در دستان بورژوازی، در نطفه خفه کند. رفقای کارگر! پس بگذارید که ما با انرژی مضاعف برای نبرد تعیین کننده ای که در شرف وقوع است، آماده شویم! بگذارید که صفوف پرولترهای سوسیال دمکرات هر چه منسجم تر به هم نزدیک شوند! بگذارید پیام-شان هرچه وسیع تر گسترش یابد! بگذارید فعالیت برای مطالبات کارگران هر چه متهورانانه تر انجام شود! بگذارید که جشن اول ماه مه هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان ما جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای آزادی تمام مردم، برای رهایی تمام زحمتکشان از یوغ سرمایه، افزون نماید!

زنده باد هشت ساعت کار در روز!
زنده باد سوسیال دمکراسی انقلابی بین المللی!
سرنگون باد حکومت مطلقه جنایتکار و غارتگر تزار!
ترجمه: کیوان نوفرستی

منبع:

<http://www.marxists.org/archive/lenin/works/1904/apr/30a.htm>

توضیح مترجم: مقصود جنگ روسیه-ژاپن است که در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۰۴ آغاز و نهایتاً با امضای پیمان صلح به دعوت تئودور روزولت در اوهایو به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۰۵، به پایان رسید. جاه طلبی های روسیه تزاری در آسیا با لشگرکشی امپریالیزم جوان و نیرومند ژاپن به سمت غرب، که نهایتاً به اشغال منچوری و فشار به مرزهای روسیه در شرق دور و سیبری انجامید، رو به رو شد. این جنگ با تحمل شکست های مفتضحانه به روسیه که نقطه اوج آن در سقوط بندر «پورت آرتور» (بود، گندیدگی درونی رژیم تزاری را به خوبی به نمایش گذاشت. موج نارضایتی عمومی در جامعه به دنبال سلطنت مطلقه تزار و همین طور ویرانی های حاصل از جنگ، این بار حتی عقب مانده ترین اقشار طبقه کارگر را هم تحت تأثیر قرار داده بود. به همین دلیل وقوع این جنگ در واقع یکی از عوامل مهم تسریع کننده انقلابی بود که در سال ۱۹۰۵ به وقوع پیوست

مرگ بر سرمایه داری!



منتقل شدند.

در دور جدید تروریسم شیمیایی علیه دانش آموزان، حکومت کودک کش به مدارس در شهرهای نقره، اصفهان و تبریز تعرض کرده است تا حجاب را بر سر دانش آموزان نگاهدارد. بخشنامه به مدارس داده که بی حجابی را تحمل نکنند و دانش آموز بی حجاب به مدرسه راه ندهند.

بیو- تروریسم باز نمائی تاکتیک فاشیستی اتاق گاز و مجازات دستجمعی است که سرخ و فرماندهی آن در بیت خامنه ای است. جواب این تعرض های تروریستی را با به آتش کشیدن حجاب و عبا و عمامه و مراکز حکومتی اشاعه جهل و خرافه خواهیم داد.

#مرگ بر حکومت بچه کش
۶ آوریل ۲۰۲۳

جنگ حجاب، پرده آخر!

کل دم و دستگاه تبلیغاتی حکومت، آتش به اختیارها، دکاندارها و آخوندهایی که متخصص تعیین جریمه برای بدحجابی و انتفاع مالی اند، هیئت دولت و وزارتخانه ها همه مجدداً علیه حجاب بسیج شدند. انگار دولت اسلامی بجز موی زن و حجاب زن مشکلی ندارد!

به مدارس، بیمارستانها، مراکز بهداشتی و درمانی، به مراکز کار عمدتاً زنانه، به شرکتهای خصوصی و دولتی، بنگاه ها، دانشگاه ها، وزارتخانه و ادارات حتی به دوربین ها که بی حجابان را هنگام رانندگی ثبت تا جریمه شوند، همه مشغول بخشنامه صادر کردن رگباری اند که؛ به زن بی حجاب سرویس ندهید، خدمات ندهید، جنس نفروشید، غذا ندهید، درمان نکنید، راه ندهید، از کار اخراج کنید، در خیابان و در ماشین جریمه کنید، خطر بیخ گوش است، اسلام در خطر است!

و باز هیچ تاثیری ندارد، کسی جوابشان را هم نمیدهد. آمران به فضولی در احوال شخصی مردم کتک میخورند، با اردنگی روانه میشود، لذا شبانه بوتیک ها و بستنی فروشی ها و پاتوق ها را پلمپ می کنند! این پرده آخر است. یکبار دیگر زورشان را میزنند که بگویند ما هنوز هستیم. امیدوارند که سنگرهایی را پس بگیرند. هیچ احمقی فکر نمیکند ایران به قیل از شهریور ۱۴۰۱ بر میگردد. اینها هم که شعار میدهند توی دلشان خالی است، بالاخره باید نان بخورند! اما اینبار یک تفاوت دارد و آن اینست که خشم یاران جانباخته و تجربه نبردی سنگین همراه ماست. حجاب بی حجاب! حجاب اسلامی علامت و لوگوی حکومت ضد زن است! ننگ بر حجاب این سمبل بردگی زن! حجاب را آتش بزنید! توی دهان این جنایتکاران ضد زن و منادیان حجاب بزنید!

۳ آوریل ۲۰۲۳

به مولوی عبدالحمید،

حرفت را پس بگیر!

مردم رمه نیستند که چوپان بخواهند!

مولوی عبدالحمید این طالبان بلوچستان همه مردم ایران را گوسفند و رمه نامید و آخوندها را علما که باید مثل چوپان بالای سر این ملت رمه باشند که ول نشود و به هر سو نرود.

مولوی حرفت را پس بگیر و عذرخواهی کن.

گوسفند و رمه شماها آخوندهای مفتخور هستید. مردم انقلابی و آزادی خواه بلوچ جواب محکمی به مولوی و همفکران مولوی بدهید. پای تریبون این مرتجعین ننشینید. از طالبان های دور و برتان عبور کنید. انقلاب ایران ضد مذهبی و ضد اسلامی است، این آخوندها در قیاس با نسل فهیم و برابری طلب انقلابی، دایناسور محسوب میشوند.

۱ آوریل ۲۰۲۳

یادداشتها،

سیاوش دانشور

ابطحی و ذوق مرگ شدن از سفره افطار خامنه ای

محمد علی ابطحی از اصلاح طلبان توییت زده که وی همراه با تعداد زیادی از اصلاح طلبان و مدیران سابق کشور به مراسم افطاری خامنه ای دعوت شدند. افتخاری که ابطحی از این سفره خون دارد غیرقابل تصور است. اینها اصلاح طلبان و باصطلاح رفرمیست های آن مملکت اند که هنرشان شنا در منجلاب است، چون خودشان از پیشکسوتان و بانیان این منجلاب اند و آینده شان دقیقاً به آینده این منجلاب گره خورده است.

نکته ای که میماند اینست که بنظر خامنه ای زیر مجموعه فشارهای وارده بر نظام، قصد دارد بار دیگر به مغضوبین اصلاح طلب بطور محدود میدان دهد تا گوشه ای از کار سرکوب همه جانبه را علیه مردم انقلابی بعهده گیرند. و البته بی بی سی و شرکاً کارشان را خوب بلدند. احتمالاً این سفره ها و دیدارهای تملق متقابل با تیتزهایی مثل «بازگشت اصلاح طلبان به صحنه سیاست کشور»، «بسیوی دولت آشتی ملی!» و «دیپلماسی در خارج و دلجویی در داخل!» و امثالهم بسته بندی رسانه ای خواهد شد و پسرعموهای مفسرشان در باب آن ما را مستفیض خواهند کرد!

ابطحی آخوند است و آخوند جماعت و قیح اند. بر آخوند حرجی نیست، اینها حاضرند تو چشم مادر مهسا و نیکا و کیان و صدها جانباخته نگاه کنند و وقیحانه از نشستن سر سفره خون خامنه ای رهبر جنایت و تجاوز ذوق مرگ شوند. وقتی جوانان انقلابی میگویند مرگ بر کل نظام، میدانند با چه موجودات و جانورانی طرف هستند و دقیقاً باید چه چیزی را نابود و در هم شکنند.

#مرگ بر حکومت بچه کش

#انقلاب ۱۴۰۱

۶ آوریل ۲۰۲۳

از سرگیری تروریسم شیمیایی علیه مدارس دخترانه

جمهوری اسلامی مثل مار زخمی بر خود میبچد و در مقابل تعرض و اراده قدرتمند زنان سپر انداخته است. حجاب اسلامی دوفاکتو ورافتاده است و سیاست رژیم سیاستی دفاعی برای بازپس گیری سنگرهای فروریخته است. یک رکن این سیاست از سرگیری حملات سریال شیمیایی به مدارس دخترانه است که با یک بفرموده متوقف شد و با یک چراغ سبز دوباره فعال شده است.

نقده اولین جای مورد حمله در سال جدید ۱۴۰۲ بود. روز سه شنبه ۱۵ بهمن مدرسه دخترانه ۲۲ بهمن واقع در محمدیار شهرستان نقده مورد تعرض شیمیایی و ترور جمعی قرار گرفت و ۴۰ دانش آموز مسموم شدند. در همین روز در نقده دبستان دخترانه آزادی نیز هدف حملات شیمیایی قرار گرفت و تعدادی از کودکان دانش آموز مسموم شدند.

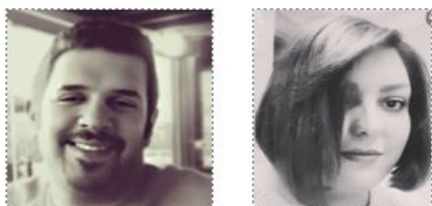
اصفهان مورد دیگر است. در روز سه شنبه ۱۵ فروردین حملات تروریستی سریالی مدرسه دخترانه دولت آباد در اصفهان را هدف قرار داد و تعداد زیادی از دانش آموزان را مسموم و روانه بیمارستان کرد.

تبریز هدف بعدی حملات سریالی بود. روز سه شنبه ۱۵ فروردین مدرسه دخترانه در شهرک باغمیشه تبریز مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و بیش از ۲۳ دانش آموز ۱۴ و ۱۵ ساله مسموم و به بیمارستان

مرگ بر سرمایه داری!

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر



تداوم اعتراض کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه

بنابر اخبار منتشرشده، روز پنجشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ نیز، جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به سطح نازل دستمزد مصوب برای کارگران در سال ۱۴۰۲ و عدم رسیدگی به دیگر مطالباتشان مجدداً در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند. اعتراض به مصوبه حداقل دستمزد شورای عالی ضد کارگری در میان بخش‌های مختلف کارگری در جریان، کارگران هفت تپه طی سه هفته گذشته شروع کننده اعتراض به این مصوبه ضد کارگری بودند.

کارگران معدن آق‌دربند سرخس ۵ ماه حقوق و عیدی طلب دارند

این کارگران با بیان این مطلب می‌گویند: کسی به فکر کارگران زحمتکش معدن آق‌دربند نیست؛ کارگرانی که در سخت‌ترین شرایط کار کرده‌اند اما حقوق نگرفته‌اند. معدن آق‌دربند یکی از قدیمی‌ترین معادن شمال شرق کشور است. ذخیره قطعی معدن آق‌دربند ۳۳۰ هزار تن و تولید سالانه آن ۸۰۰۰ هزار تن است که کل تولیدی آن به عنوان سوخت در کارخانه‌های فولاد داخل و خارج از استان خراسان رضوی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مانعیت از ورود ۱۴ کارگر «داروگر تهران» به کارخانه

۱۴ نفر از کارگران شاغل در کارخانه داروگر تهران به بهانه اینکه بدون اجازه از روز ۲۸ اسفند ماه (۱۴۰۱) محل کار خود را برای تعطیلات نوروزی ترک کرده‌بودند، اجازه ورود به محل کارشان را ندارند. گرچه هنوز قطعیتی در اخراج این کارگران وجود ندارد. بر پایه این اظهارات این کارگران، از قرار معلوم نزدیک به ۱۲ نفر از کارگران از روز ۲۸ اسفند ۱۴۰۱ و ۲ نفر دیگر از صبح روز سه‌شنبه (۱۵ فروردین ماه) از حضور در محل کار همیشگی خود منع شده‌اند اما این کارگران که بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، مدعی هستند که قبل از خروج از کارخانه، درخواست مرخصی آن‌ها از سوی سرپرستان آن‌ها تایید شده است.

آن‌ها در ادامه درباره وضعیت فعالیت محل کار خود گفتند: فعالیت کارخانه از روز ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۱ به دلیل تامین نشدن مواد اولیه، علارغم حضور مستمر کارگران محدود بود و مدت کوتاهی است دو خط تولید مابعد ظرف‌شویی کارخانه راه اندازی شده است. طبق گفته کارگران؛ ممنوعیت حضور ۱۴ نفر از کارگران در محل کار پس از آن اتفاق افتاد که آن‌ها با سه ماه حقوق معوقه کاری برای انجام دادن نداشتند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت داروگر،

روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ کارگران شرکت داروگر تهران مقابل وزارت کار تجمع اعتراضی برپا کردند. این کارگران که در حال حاضر فقط تعداد معدودی از آنها باقی مانده و مابقی بدون هیچ مجوزی طی ماه‌های متمادی از کار بیکار شده‌اند، ۴ ماه است که کارفرما حقوقشان، و ۶ ماه بیمه‌شان را پرداخت نکرده است.

اعتصاب پرستاران در مشهد

چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ پرستاران و کمک پرستاران، در چند بیمارستان مشهد در اعتراض به دریافت‌های ناعادلانه تعرفه خدمات پرستاری دست به اعتصاب و تجمع زدند

کارگران خدماتی شهرداری رودبار خواستار حذف شرکت پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با شهرداری هستند

حدود ۷۰ کارگر خدماتی قرارداد پیمانی شهرداری رودبار در استان گیلان خواستار حذف شرکت پیمانکار و عقد قرارداد مستقیم با شهرداری هستند. این کارگران می‌گویند: نزدیک به ۷۰ نفر هستیم که نامه تبدیل وضعیت شغلی ما حدود ۸ سال به شهرداری ابلاغ شده اما هنوز اجرایی نشده است. در عین حال منتظر اجرای طرح ساماندهی کارگران پیمانکاری هستیم که از سوی مسئولان در حال پیگیری است. آن‌ها مدعی‌اند که در نتیجه حضور پیمانکار مطالباتشان به صورت حداقلی پرداخت می‌شود و این موضوع آن‌ها را در شرایط بد مالی قرار داده است. به گفته کارگران شهرداری رودبار، از دو ماه پیش قرارداد پیمانکار واحد خدمات شهرداری به دلیل کم کاری در کار و پرداخت نکردن به موقع حقوق کارگران فسخ شده و شهرداری پیمانکار جدید جایگزین کرده است.

اخراج تعدادی از کارگران شرکتی شهرداری اصفهان

جمعی از کارگران و کارمندان شهرداری اصفهان که از ابتدای دهه گذشته آرام، آرام به صورت شرکتی و با قرارداد با واسطه به این مجموعه جذب شده بودند، اکنون در شرایط ناامنی شغلی به سر برده و ۳۰ نفر از آنها اخیراً از کار بیکار و تمدید همکاری با آن‌ها صورت نگرفته است.

یکی از کارمندان اخراج شده؛ اظهار کرد: به دعوت شهرداری اصفهان در دولت قبل بخشی از ما نیروها در قالب شرکتی به همکاری با این مجموعه روی آوردیم و این درحالی است که برخی همکاران ما مأمور به خدمت به شهرداری شدند و برخی دیگر مشاغل قبلی خود را برای این کار کنار گذاشتند و در رده‌های مدیریتی متوسط و میانی مجموعه شهرداری اصفهان مشغول به کار شدند؛ اما از قرار معلوم بخش قابل ملاحظه‌ای از این نیروها قرار است بیکار شوند.

تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش و اهواز

روز دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش و اهواز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازنشستگان اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان به اجتماعات اعتراضی ادامه خواهند داد.

تحصن در مدارس بوکان

۱۴۰۲/۰۱/۱۴

طبق گزارش کانال شورای هماهنگی فرهنگیان، معلمان در برخی مدارس بوکان در اعتراض به ناکارآمدی رتبه‌بندی دست به تحصن زده‌اند.

حقوق معلمان خرید خدمات استان سیستان و بلوچستان ۶ ماه است که پرداخت نشده است

نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه حقوق معلمان خرید خدمات استان ۶ ماه است که پرداخت نشده است تصریح کرد: این مسئله سبب بی‌انگیزگی آنها شده و دود این بی‌توجهی به چشم دانش آموزان می‌رود.

تهران چهارشنبه شب به مناسبت زادروز حمیدرضا روحی، از کشته شدگان اعتراضات ۱۴۰۱، بار دیگر شاهد تجمع‌های اعتراضی در منطقه شهر زیبا بود.

ستون اخبار کارگری

و حرکت‌های اعتراضی ...

در این تجمع‌ها در برابر خانه حمیدرضا روحی و اطراف آن جمعیت شعار «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «آزادی، آزادی، آزادی» و «خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک» سر می‌دهند.

چهارشنبه تولد ۲۰ سالگی حمید رضا روحی بود، که به یکی از چهره‌های شناخته شده‌ای بدل شده که جان خود را در جریان اعتراضات گسترده‌ای که از نیمه سال پیش شروع شد از دست داده‌اند. او مثل خیلی دیگر از جوانان دهه هشتادی بخش‌هایی از زندگی خود را در اینستاگرام به اشتراک می‌گذاشت که به حفظ یاد و خاطره او کمک کرده است.

راهپیمایی سکوت زاهدان

به گزارش منابع خبری روز جمعه ۱۱ فروردین ماه ۱۴۰۲ مردم زاهدان بر خلاف هفته‌های قبل راهپیمایی اعتراضی سکوت برگزار کردند

بازداشت چهار نفر از اعضا خانواده جواد حیدری

فاطمه حیدری، خواهر جواد حیدری، از بازداشت شدن یکی دیگر از برادران خود به نام روح‌الله در روز دوشنبه چهارده فروردین خبر داد.

پیش‌تر سه برادر دیگر جواد حیدری، به نام‌های محمد، حجت و مصطفی مدت طولانی بازداشت شده بودند و مادر این خانواده دادخواه، از زندان به دادسرا و دادگاه در رفت و آمد بود.

روز چهارشنبه ۱۶ فروردین پدر و مادرو برادر محمد حیدری را دستبند زده و بازداشت کردند.

فاطمه حیدری، تنها به خاطر آنکه خواهر یکی از جان‌باختگان است، از کار خود اخراج شده است، در حالی که در تابستان به عنوان کارمند نمونه تشویق شده بود!

آزار خانواده‌های دادخواه، برای آن است که آن‌ها را به سکوت وادارند. خانم فاطمه حیدری در این توییت می‌گوید که «ما از دادخواهی دست نخواهیم کشید»

محمد حبیبی بازداشت شد

روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در منزل بازداشت شد.

چهار نفر نیروی امنیتی که خود را از اطلاعات غرب تهران معرفی کردند؛ با حمله به منزل شخصی این معلم و فحاشی رکیک به محمد حبیبی و همسرش؛ او را بازداشت کردند. پس از تفتیش منزل و ضبط لوازم الکترونیکی؛ با هل دادن و رفتار خشن؛ او را سوار خودروی امنیتی کرده و با خود بردند و هنگامی که با اعتراض همسر محمد حبیبی مبنی بر دلیل بازداشت و نشان دادن حکم و... روبرو شدند؛ با فحاشی به همسر حبیبی؛ او را تهدید به ضرب و شتم کردند.

بنا به گفته نیروهای امنیتی؛ آنها محمد حبیبی را به ۲۰۹ اوین بردند. وی در حین انتقال از خانه به زندان، در اتومبیل مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفته است.

از زندانیان سیاسی حمایت کنیم!

به هر وسیله ممکن برای آزادی آنان از بند تلاش کنیم. دفاع از زندانیان سیاسی و تلاش همه جانبه برای آزادی آنان وظیفه همه آزادیخواهان و همه انسانی‌هایی است که دل در گرو آزادی و برابری دارند و برای جامعه ای آزاد و برابر بدون تبعیض و نابرابری مبارزه می کنند

دانش آموزان و خانواده‌ها

از اعتراضات برحق معلمان حمایت کنید

آزادی و رفاه حق مسلم ما است



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، حکمتیست

سپیده قلیان آزاد باید گردد



جان سپیده قلیان در خطر است

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

PARIS COMMUNE
1871-2021

REPUBLIQUE FRAN
LIBRE - ÉGALITÉ -
COMMUNE

گرانی باد

یکصد و پنجاهمین سالروز

اولین انقلاب کارگری

کمونیست پاریس

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - "Hekmatist"



تهدیدهای زنان بخاطر بی حجابی و پوشش اختیاری نشانه ترس رژیم است

جمهوری اسلامی تهدید و ارباب همه‌جانبه‌ای را علیه زنان و "بی حجابی" سامان داده است. برآمد جنبش انقلابی و مبارزه گسترده زنان در کف خیابان‌ها که با کنار زدن حجاب اجباری، آتش زدن روسری‌ها و عادی نمودن پوشش اختیاری در خیابان و مدرسه و دانشگاه همراه بوده است، خشم رژیم اسلامی را برانگیخته است. خامنه‌ای روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین طی سخنانی "کشف حجاب را حرام شرعی، سیاسی و کار دشمن" نامید. دستگاه‌های مختلف سرکوب، آخوندها و اوباش رژیم که سیاست شان در کنترل بر بدن زنان و تحمیل حجاب اجباری بر آنان شکست سختی خورده است، مدام به اشکال مختلف، شمشیرها را علیه زنان "بی حجاب" تیزتر کرده و آنها را مورد انبیت و آزار قرار می‌دهند. سردمداران اداری، آموزشی و دانشگاهی رژیم نیز با مصوبات گوناگون، زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند به اخراج یا عدم برخورداری از خدمات آموزشی تهدید می‌کنند. با این همه و به رغم تهدیدات روزافزون نهادهای سرکوبگر رژیم، خیابانها، فروشگاهها، متروها، پارکها و عرصه عمومی جامعه پر از زنانی است که جمهوری اسلامی و آپارتاید حجاب اجباری را به ریشخند می‌گیرند.

جمهوری اسلامی برای انتقام از دانش‌آموزان که در جنبش انقلابی حضور پر رنگی داشتند، برنامه هدفمند مسموم سازی دختران در مدارس را همچنان ادامه می‌دهد. در دور جدید بعد از سیزده‌بدر در تبریز، نقده و اصفهان تعدادی از مدارس دخترانه با مواد شیمیایی مورد حمله قرار گرفته‌اند.

این تهاجم همه جانبه، نشانه ترس رژیم از مبارزه جسورانه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. مبارزه‌ای که مدت هاست در متن جامعه تدویم داشته و در جنبش انقلابی کنونی به اوج رسیده است.

علیرغم تهدید و سرکوب رژیم، زنان در عرصه قابل توجهی با عادی نمودن پوشش اختیاری و برداشتن حجاب اجباری، مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی را تدویم می‌دهند. در این شرایط حساس، وظیفه همه آزادی‌خواهان و کلیه تشکلهای، نهادهای صنفی و مدنی و نیز همه نیروهای مترقی و پیشروی جامعه است که مدافع پیگیر و همه جانبه مبارزات زنان باشند و دوشادوش آنها رژیم اسلامی را به عقب برانند. زنان و توده‌های مردم ایران با حربه تهدید و سرکوب عقب نخواهند نشست. آنها عزمشان را جزم کرده‌اند تا این رژیم تبهکار را به گورستان تاریخ بسپارند.

رهایی زنان، رهایی جامعه است

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

پنجم آپریل ۲۰۲۳- ۱۶ فروردین ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

منفصلی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!